

## صدای امید

میلاد مدنی

نویسنده



هرسال، دوسه هفته که به عید مانده بود، بی‌بی به تک‌تک دخترهایش زنگ می‌زد و رسماً شروع روند سخت و پیچیده خانه‌تکانی را اعلام می‌کرد.

مثل رئیس‌جمهوری که می‌خواهد با دقت هیأت دولت تشکیل بدهد، هرکدام از دخترها را مسئول کار مشخصی قرار می‌داد. مثلاً اعظم مثل هر سال باید با قالیشویی هماهنگ می‌کرد، مریم مسئول تمیز کردن آشپزخانه بود، فاطمه باید گردگیری می‌کرد و ما نوه‌ها هم مسئول سرگرم کردن بابابزرگ بودیم که تا پایان خانه‌تکانی حوصله‌اش از این همه بریز و بیاش و بشور سر نرود و بی‌بی مثل یک رهبر ارکستر ماهر و باتجربه می‌ایستاد و به کار همه نظارت می‌کرد تا این سمفونی باشکوه به بهترین شکل ممکن اجرا شود.

از وقتی بی‌بی فوت کرد، دیگر آن خانه حال و هوای قبلاً را نداشت. غم و غصه از همه جای خانه بیرون می‌زد. هوای خانه حتی برای ما نوه‌ها هم سنگین بود. سخت بود تحمل خانه بدون بی‌بی. چندسال بعد، یک هفته مانده بود به عید که بابابزرگ آستین‌هایش را بالا زد و افتاد به جان حیاط و گل و گیاه باغچه. بعد مثل بی‌بی تلفن را برداشت و همه دخترها را به خط کرد. حالا این بابابزرگ بود که شروع دوباره خانه‌تکانی را رسماً اعلام می‌کرد. دقیق و منظم به کار همه نظارت می‌کرد تا همه چیز مثل سال‌هایی که بی‌بی زنده بود پیش برود. از آن سال موسیقی زندگی دوباره در خانه پیچید. این‌بار اما رهبر این ارکستر بابابزرگ بود. او این سمفونی را اجرا می‌کرد. سمفونی امید به زندگی.

از آن سال‌ها و ماه‌ها خیلی گذشته است. سبک و شیوه زندگی انسان امروزی تغییر کرده است. شاید مشکلات و سختی‌ها خیلی بیشتر شده باشد. شاید خیلی چیزها دیگر شبیه قبل نباشد. اما در میان همه دشواری‌های زیست انسان مدرن، بعضی چیزها مثل همین خانه‌تکانی نوید این را می‌دهد که می‌توان به تغییر امیدوار بود.

این چند روز آخرسال که همسران خانه را گردگیری می‌کنند، مادران به قالیشویی محله زنگ می‌زنند و آدم‌های شهر در تکاپوی خانه‌تکانی هستند، همه معنای این را می‌دهد که هنوز امید به آینده وجود دارد. این‌ها همه یعنی هنوز زیباترین موسیقی دنیا «صدای امید» است.



این چند روز  
آخرسال که  
همسران خانه  
را گردگیری  
می‌کنند، مادران  
به قالیشویی  
محله زنگ می‌زنند  
و آدم‌های شهر  
در تکاپوی خانه  
تکانی هستند،  
همه معنای این را  
می‌دهد که هنوز  
امید به آینده وجود  
دارد

### نیاز و استفاده، مسأله این است

در اطراف همه ما در خانه و محل کار و محل تحصیل، وسایل و ابزار وجود دارد که نوعاً بخشی از ما و هویت ما شده. لباس، کتاب، لوازم مختلف شخصی و خانگی از هندزفری و گوشی‌ها و آرشو مجلات قدیمی و سررسیدهای قدیمی و لباس و کیف و کفش گرفته تا آرامیز و میوه خشک‌کن و دکوری‌های مختلف و کتابخانه و گلخانه و مجسمه و سماور و میز و صندلی و غیره؛ همگی وسایلی هستند که به دلایل مختلف نیاز دارند سالانه در یک روز خاص مشاهده و ارزیابی شوند و برای ماندن یا نماندنشان تصمیم گرفته شود. معیاری که می‌شود به آن تکیه کرد و بر مبنای آن تصمیم به نگهداری، تعویض، تعمیر یا خروج آن از خانه گرفت، «نیاز» و «استفاده» است. اینکه بسنجیم و ببینیم تا مثلاً ۹ ماه آینده به کدام یک از این وسایل مصرفی نیاز داریم و از آن استفاده می‌کنیم؟ کدام‌شان در یک‌سال گذشته حتی یکبار هم مصرف و استفاده نشده است؟ علت عدم استفاده از وسایل چیست و چقدر محتمل است که این علت برای سال آینده هم صدق کند؟

### دوستت دارم، پس بمان!

برای فهمیدن نیاز به وسایل در بازه زمانی، خیلی نیاز به حساب و کتاب پیچیده‌ای نداریم. یکی از معیارهای خیلی شخصی که «نیاز» ما به یک وسیله، کتاب یا لباس را مشخص می‌کند، علاقه است. مثلاً علاقه داریم تا سال بعد هم تیشرتی را که مورد علاقه‌مان است، نگه داریم و از آن استفاده کنیم یا پیش‌بینی می‌کنیم که سال بعد ممکن است شرایط زندگی‌مان تغییر کند و برای یخت غذا هنوز به سرخ‌کن یا آرامیز نیاز داریم یا بعضی کتاب‌ها که برایمان حکم رفیق را دارند و هرگز از آنها جدا نمی‌شویم و گاهی در طول سال صفحات‌شان را ورق می‌زنیم.

### هنوز لازمی، پس نرو!

خانه‌تکانی نوروز، زمان خوبی است که به سراغ وسایلی برویم که نیاز به تعمیر دارد یا بدون استفاده گوشه‌ای افتاده است. تلفن همراهمان خراب شده، دکمه لباس‌مان افتاده، باتری ساعت مچی‌مان تمام شده، بند کفش‌مان پاره شده، بخشی از کتاب‌مان از جلدش جدا شده و اتفاقاتی از این قبیل که برای وسایلی‌مان در گذر زمان می‌افتد، همگی نیاز به تصمیم‌گیری دارد. آیا هنوز لازم هستند و می‌خواهیم از آنها استفاده کنیم؟ آیا اگر آنها را به خارج از خانه منتقل کنیم، می‌رویم و نو همان‌ها را می‌خریم؟ یا اینکه دیگر نیازی به آنها نداریم؟ روشن است که اگر به آنها هنوز نیاز داریم، پس باید به فکر تعمیرشان باشیم و اگر به آنها نیاز نداریم، جعبه «نیاز به تعمیر» را ببوریم و آنها را برای خروج از خانه، در جعبه بچینیم.



**خانه‌تکانی نوروز، زمان خوبی است که به سراغ وسایلی برویم که نیاز به تعمیر دارد یا بدون استفاده گوشه‌ای افتاده است. تلفن همراهمان خراب شده، دکمه لباس‌مان تمام شده، باتری ساعت مچی‌مان تمام شده، بند کفش‌مان پاره شده، بخشی از کتاب‌مان از جلدش جدا شده و اتفاقاتی از این قبیل که برای وسایلی‌مان در گذر زمان می‌افتد، همگی نیاز به تصمیم‌گیری دارد**

### وقت رفتن است، پس برو!

معیار دیگر، برعکس دو حالت قبل است؛ همه ما در طول زمان تغییر می‌کنیم، علایق و سلیقه‌مان به تبع سن، محیط، دوستان و شبکه ارتباطی‌مان تغییر می‌کند. وسیله، لباس یا کتابی که سال قبل با اشتیاق خریدیم، حالا برایمان به هر دلیلی قابل استفاده نیست؛ اندازه‌مان نیست، رنگ یا مدلش را دیگر دوست نداریم، یادآور یک خاطره بد است، به دلیل تغییر سغلی یا شرایط زندگی، دیگر برایمان قابل استفاده نیست یا به هر حال دیگر دوستش نداریم، جعبه خداحافظی را می‌آوریم و با عزمی

### «به خاطر خودم هستی، نه به خاطر بقیه»

یکی از انواع وسایلی موجود در خانه‌های ما، وسایل دکوری، تزئینی و بدون استفاده است. منظور از بدون استفاده، این است که اینها در گوشه و کنار خانه به دنبال علاقه و سلیقه ما با هدف زیباتر شدن خانه‌مان قرار داده می‌شوند؛ تابلوهای نقاشی، تابلوهای فرش، مجسمه‌های بزرگ و کوچک، ظروف مجلسی بوفه و خود بوفه، از جمله وسایل دکوری و تزئینی هستند که در اغلب خانه‌های ایرانیان وجود دارند. نکته مهم درباره انتخاب و خرید این نوع وسایل برای خانه، زمانی که تبدیل به یک مسأله چشم و هم‌چشمی و «باید این را بخریم، چون فلانی...» بشود، مخرب است. فارغ از شلوغ کردن محیط زندگی و گرفتن تمرکز و آرامش ذهن، مدام جلو چشم‌مان است و نیت خرید را هم می‌دانیم و این برای ذهن ما که می‌خواهیم درون و برون آن را خانه‌تکانی کنیم، مطلوب نیست. اما اگر صرف علاقه به وسایل دکوری، دست به خرید آنها می‌زنیم، باید نکات مختلفی را در نظر بگیریم. فضایی که نیاز دارند، نظافت مستمر و مراقبت ویژه از آنها، برای اینکه همیشه زیبا باشند و بدرخشند و هزینه‌بهر بودنشان همگی در انتخاب ما برای خرید این نوع وسایل اثرگذار هستند. ضمن اینکه دو مسأله «منطق کاربرد داشتن یک وسیله» و «تمرکز و آرامش ذهن در یک فضای خلوت» (بدون اینکه آدم در میان وسایل گم شود یا موقع راه رفتن با وسایل برخورد کند یا اینکه طاقچه‌ها و گوشه‌کنار خانه حتماً وسیله‌ای باشد) مسائلی هستند که مانع ذهنی ما برای مصرف و خرید و هزینه کردن به خاطر بسیاری از این نوع وسایل خواهد شد.

### با وسایل رفته بی‌برگشت چکار کنیم؟

وقتی وسایلی که به دلایل مختلف به آنها نیاز و علاقه نداریم را در جعبه‌های مخصوص قرار دادیم با آنها چکار می‌شود کرد؟ سه راهکار به نظر می‌رسد. راهکار اول که نیاز به نوعی فرهنگسازی هم دارد، مانند میادله کالا به کلاست. در سال‌های اخیر در جمع‌های دوستانه و خانوادگی، میهمانی ویژه برگزار می‌شود که در آن افراد به همراه وسایلی که دیگر به آن نیاز ندارند، حضور دارند و در فضایی صمیمی، ساده و بی‌آلایش، در ازای وسیله‌ای که نمی‌خواهند و دیگری به آن نیاز دارد، وسیله‌ای را دریافت می‌کنند. راهکار بعدی فروش وسایل است. در عصر جدید، رسانه‌های اجتماعی، نرم‌افزارهای کسب‌وکاری مختلف خرید و فروش کالا وجود دارد که با استفاده از آنها می‌توانیم وسیله خود را بفروشیم یا اینکه از آنجا وسیله‌ای که نیاز داریم را خریداری کنیم. راهکار آخر بخشیدن است. برای همه ما پیش آمده که لباسی خریده باشیم و آنقدر نبوشیده باشیم که دیگر یا برایمان کوچک شده باشد یا اینکه دوستش نداشته باشیم. اما دل‌مان هم نمی‌خواهد آن را به خارج از خانه منتقل کنیم. چیزی که در این مرحله به ما آرامش می‌دهد، بخشش است. بخشیدن با میل و رغبت وسایل، لباس‌ها و کتاب‌هایی که به آنها نیاز نداریم به کسانی که به آنها نیاز دارند، باعث می‌شود که هم بزرگ‌دلی را یاد بگیریم و هم وارستگی را. از طرف دیگر، عمیق و مؤثر خانه‌تکانی کرده‌ایم و محیط‌مان را از وسایلی اضافی خلوت کرده‌ایم، مهمتر از همه، باعث شده‌ایم که به واسطه بخشش ما، نیاز و خواسته کسی برطرف شود.

راسخ و بدون اینکه دل‌مان به شک بیفتد، برای انتقال به خارج از محیط زندگی و خانه، آنها را در جعبه می‌گذاریم. نکته‌ای که در مشاهده و ارزیابی وسایل خانه در زمان خانه‌تکانی نوروز، قابل توجه است، این است که ذهن مصرفی و مصرف‌کننده، تمرکز بر خرید و جایگزین کردن وسایل جدید دارد. نیاز داریم که سدی مقابل ذهن‌مان بچینیم و تفکر را مقابلش قرار دهیم. معیارهای نیاز، علاقه و مورد استفاده بودن را جلوی رویش بگذاریم و آنگاه برای خرید وسیله یا لباس یا کتابی دیگر تصمیم بگیریم.



## مواجهه با لباس و کتاب و وسایل اضافی

### در خانه‌تکانی نوروز

# یک خانه‌تکانی واقعی

سارا مؤمنی

دانشجوی دکتری مدیریت رسانه



زمانش که برسد یا صحبت از آنکه شروع شود، حسی دوگانه در اغلب ما ظهور می‌کند. رخوت و غرغر از شروع و اشتیاق برای پایان و دیدن نتیجه «خانه‌تکانی». امری لازم و ضروری که اغلب ما ایرانیان پیش از آمدن بهار سراغش می‌رویم. از نظافت درها و دیوارها و پنجره‌ها گرفته تا شست‌وشوی فرش‌ها و پرده‌ها و ملحفه‌ها تا مرتب کردن کمد‌ها و کتاب‌ها و وسایلی مختلف. به تبع تغییر شرایط زندگی، تغییرات زیادی در چگونگی رقم خوردن خانه‌تکانی برای هرکدام‌مان به وجود آمده است، مثلاً به جای اینکه برای شستن قالی در حیاطی که نداریم خودمان دست‌به‌کار بشویم، فردی از قالیشویی می‌آید و قالی‌ها را جمع می‌کند و با خود می‌برد و چند روز بعد، تمیز و شسته‌رفته تحویل‌مان می‌دهد. حالا می‌خواهیم بگوییم که همه خانه‌تکانی شستن و نظافت نیست؛ مرتب کردن، جمع‌آوری وسایل و لباس‌ها و کتاب‌هایی که نمی‌خواهیم نیز هست. تصمیم گرفتن برای آنها هم بخشی از خانه‌تکانی است که فارغ از حس خوبی که به آدم می‌دهد؛ خیلی لازم و کاربردی است.

